■ سال بیست و سوم ■ شماره ۶۵۰۳
■ چهارشنبه ■ ۳ خرداد ۱۳۹۶

ایران
صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر - شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ و ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم پارسه، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ همزمان اصفهان (آتیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

سخن روز

امام جعفرصادق(ع):

از دو صفت پرهیز کن که هرکس هلاک شد، به خاطر این دو صفت بود. بپرهیز از اینکه طبق رأی و نظر خویش به مردم فتوا دهی یا به آنچه نمی‌دانی، عقیده دینی پیدا کنی.

اصول کافی، ج ۱، ص

به چیزی تو همین مایه‌ها

فریبور خراباتی

وقتی فردوسی و خیام ژاژ خاییدند!

یکی از شخصیت‌های سیاسی که چندی پیش در حرکتی چرخشی و غیرقابل پیش‌بینی اعلام کرد که «درخت» است و ما فکر نمی‌کردیم یک درخت بخواهد در مورد چیزی اظهارنظر کند و احتمال می‌دادیم که برود و یک گوشه‌ای شکوفه بزند و میوه بدهد و... اما در کمال تعجب این درخت این روزها بشدت در مود نامه‌نگاری است. پس از خواندن این نامه‌ها نخستین کسی که به آنها واکنش نشان داد، علی‌اکبر دهخدا بود که از آن دنیا اعلام کرد: «مهندس جان، من تا وقتی زنده بودم، میکانیک بودم داداچی!» و از زبان فارسی اعلام برائت کند.

به هرحال ما نامه «درخت» مذکور (فضا سوررئال شده‌ها) در مورد فردوسی و خیام را خواندیم، فقط یک جاهایی از این نامه را متوجه نشدیم، مثلا مهندس (درخت!) یک جایی نوشته: «همان طور که ذکر شد میزان اثرگذاری این افراد برجسته، متفاوت بوده است و خواهد بود. نقش این افراد در برخی مواقع حساس تاریخی، بسیار درخشان ارزیابی می‌شود.» بنده خواهش می‌کنم، تمنا می‌کنم، استدعا می‌کنم که دانشمندان کشور این اطلاعات و این سطح آگاهی را همین‌طور ناغافل و یک‌هویی در سطح جامعه رها نکنند، لااقل شلخته دروکنید تا چیزی برای خوشه‌چین‌ها باقی بماند.همین مانده که دوستان یک عکسی از فردوسی و خیام و سعدی منتشر کنند که این سه بزرگوار دست یکدیگر را گرفته و بالا برده‌اند و می‌گویند: «زنده‌باد بهار!» اطلاعات این دوستان همین قدر در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی زیاد است که اثرات آن را هشت سال با تمام اعضا و جوارح‌مان حس کردیم. یک زمانی هم می‌خواستند دستی به سر و گوش کتب تاریخی بکشند و کار ناتمام استاد معتضد را تمام کنند و ضربه نهایی را به تاریخ بزنند.بدین صورت که کتاب‌های تاریخ از زمان دولت نهم آغاز می‌شد و در کتاب تاریخ یک مقدمه ای می‌نوشتند که: «تاریخ اصلاً اون چیزی نیست که تا الان خوندید، اولاً در گذشته اصلاً کشور وجود نداشته، اسکندر مقدونی وقتی به اینجا لشکر کشیده متوجه شده که کشوری وجود نداره و راهش رو گرفت و برگشت. یزدگرد سوم هم که اصلاً پادشاه نبوده، آسیاب‌بان مروی هم به خاطر یک مسأله ناموسی و خانوادگی او را به قتل رسانده و هم‌اکنون هم تحت پیگرد قرار دارد.» که خوشبختانه شانس آوردیم استادان دوران مسئولیت‌شان به پایان رسید و تاریخ قسر در رفت، حالا روزی دو سه تا ضربه به ادبیات می‌زنند و باعث ژاژخاییدن سعدی و خیام می‌شوند.

کیوسک

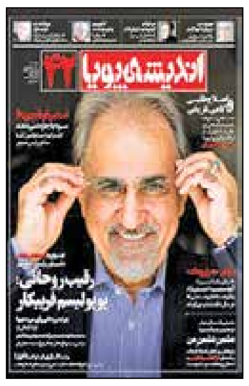

کاتوزیان و فرمان‌آرا در «اندیشه پویا»

تازه‌ترین شماره ماهنامه «اندیشه پویا» به مدیرمسئولی برات‌الله صمدی‌راد و سردبیری رضا خجسته رحیمی منتشر شد. روی جلد این شماره عکسی از محمدعلی نجفی قرار گرفته با عنوان رقیب روحانی: پوپولیسم فریبکار که این گفت‌وگو خود بخشی از پرونده اصلی این شماره یعنی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است. در این پرونده نظرسنجی و گفت‌وگوهایی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی دیده می‌شود. در بخش «یک فنجان اسپرسو» گفت‌وگویی با عبدالله مؤمنی تحت عنوان «می خواهم کوهن بندیت ایران باشم» صورت گرفته است. همچنین در این شماره گفت‌وگویی با همایون کاتوزیان و میزگردی درباره اصلاح‌طلبی و آگاهی تاریخی منتشر شده است. این ماهنامه در بخش رو در رو و به بهانه اکران فیلم «دلم می‌خواد»، اثر جدید بهمن فرمان آرا، به سراغ این فیلمساز رفته و گفت‌وگویی با وی انجام داده است. همچنین در بخش بایگانی این شماره هفته نامه «تماشا» مورد توجه و بازخوانی قرار گرفته است. شماره ۴۲ مجله اندیشه پویا در ۱۶۸ صفحه و قیمت ۱۴ هزارتومان در دسترس مخاطبان قرار دارد.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۲۲	۳۳	۳۳	۴۰	۳۷	۳۶	۳۳	۲۸
۹	۲۰	۱۹	۲۴	۲۸	۲۴	۱۷	۱۸

اذان ظهر ۱۳/۰۱ اذان مغرب ۲۰/۳۰ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ اذان صبح فردا ۴/۱۱ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۳

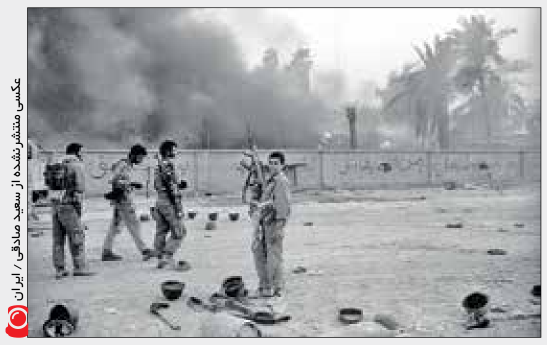

عکس منتشرشده از سعید صادقی / ایران

عکس نوشت

سعید صادقی
عکاس جنگ

نفس مردم با آسمان گره خورده بود

به یاد سوم خرداد سالروز آزادی خرمشهر

روز نخست جنگ پس از عکاسی از بمباران اکباتان تهران، به سمت جنوب رفتم. در خرمشهر همبستگی ملی را به معنای واقعی دیدم و آن حجم باور و انگیزه مرا تحت تأثیر قرار داد. با اینکه بیشتر افراد حاضر در آن مکان برای نخستین بار همدیگر را می‌دیدند اما شبیه خانواده‌ای بودند که همگی شوق حفظ ایران و ماندن انقلاب را داشتند، همه زنان و مردان.

اما بعد از اشغال خرمشهر مرگ بر سر و دیوار شهر پاشیده شد. من قتل عام خونین خرمشهر را به چشم دیدم؛ عراقی‌ها پس از تجاوز یا سوزاندن ایرانی‌ها با بنزین هلهله سر می‌دادند و صدای آن ضجه و مویه‌ها هنوز در گوش من است.

بعدها عکاس عراق را که همزمان، زاویه مقابل ما را ثبت می‌کرد ملاقات کردم، بیشتر به جنایات و فجایع آن روزها پی بردم، اما بالاخره پس از ۱۹ماه نفس‌های ملت ایران با خدا گره خورد و خرمشهر آزاد شد، ما چنان شوق و ذوقی داشتیم که گویی به خانه خود بازگشته‌ایم؛ نخست‌وزیر وقت نیز همان روز به خرمشهر آمد و در جشن رزمنده‌ها و مردم شریک شد. هر ایرانی از آزادی خرمشهر احساس خوشبختی می‌کرد، وجودمان از قفس آزاد شده بود. آن نخل‌های سوخته، در نگاه ما زنده بودند و با وجود خون‌هایی که ریخته شده بود، با فتح خرمشهر نشاط فضا را پر کرد. خاک و زمین و آسمان خرمشهر هم از بازگشت فرزندانش طراوت یافته بود. یاد آن روزها مرا جوان می‌کند. همه مانند کودکان خوشحالی می‌کردند و از فضای تلخ و ویران جنگ، زندگی و امید ساخته بودند. سربازها و فرماندهان خانه‌ها را نظافت می‌کردند، انگار مردم قرار بود همان روز به وطنشان برگردند، آن همه زیبایی دیگر هیچ‌وقت تکرار نشد.

فتح خرمشهر یکی از مهم‌ترین نقاط اشتراک ملی ایران است که جهان را مبهوت همبستگی ایرانیان کرد. فتح خرمشهر نشانه و نماد ملی ماست. آن روزها لذت عزت و ماندگاری ایران را حس می‌کردیم.

کاش به همان لحظات بازگردیم؛ روزهایی که در حفظ وطن جانمان را قمار کرده بودیم و از این سرباختگی احساس خوشبختی داشتیم. متأسفانه صداقت و پاکی‌های آن روزها را شخم زده‌اند و نیرویی که نسل ما را تسخیر کرده بود از میان رفته است. همگی در اندیشه منافع ملی بودیم و در فتح خرمشهر نفس‌ها چنان صادقانه بود که بیش از امروز احساس امنیت و آرامش داشتیم.

روزنه

حمیده لطفی نیا
استاد زبان فارسی
دانشگاه استراسبورگ

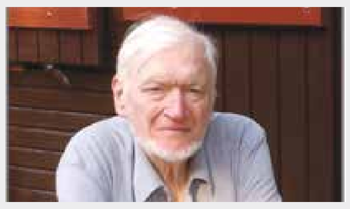

درباره «ژان کالمار»؛ ایران‌شناس تازه درگذشته فرانسوی

همه عمر از ایران گفتن و نوشتن

ژان کالمار (Jean Calmard) ایران‌شناس برجسته فرانسوی، سه شنبه ۲مه (۱۲ اردیبهشت) در ۸۵ سالگی درگذشت. او که تحقیقات زیادی در زمینه ایران انجام داده است، تخصص اصلی‌اش، تاریخ صفویه بود. او مقالاتی درباره مردان سیاست و فرهنگ ایران از جمله امیرکبیر و دکتر علی شریعتی نیز نوشته است. کالمار به توصیف شهرهای تاریخی فارسی زبانان نیز علاقه زیادی داشت و از شیراز و سیستان تا سمرقند و بخارا سخن به میان آورده و درخصوص این شهرها مقاله نوشته است. علاوه برآن رساله‌های دکترای متعددی را در زمینه ایران راهنمایی کرده است. او به مذهب و آیین و سنن و زبان فولکلور ایرانیان توجه خاصی نشان می‌داد و تحقیقاتی در این راستا انجام داده است. به عنوان مثال مقاله مفصلی در باب سنت تعزیه‌خوانی نگاشته که در آن، این سنت را در زمان یکایک شاهان قاجار بررسی کرده است. ژان کالمار محقق و مدتی هم مدیر بخش ایران شناسی مرکز ملی تحقیقات فرانسه (CNRS) و از نویسندگان دانشنامه ایرانیکا بود. همه عمر از ایران گفت و نوشت و امروز که دیگر نیست، تحقیقات او روشنگر راه نسل جوانی است که می‌خواهد ایران را بیشتر بشناسد.

یادبود

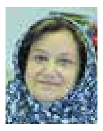

لیلا ارشد
بنیانگذار مؤسسه خانه‌خورشید

به بهانه پنجمین سال درگذشت «سَتّاره فرمانفرماییان»

یک عمر دنبال بهبود شرایط انسان

«سَتّاره فرمانفرماییان» مادر مددکاری اجتماعی ایران بود. او که فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود، نخستین کسی است که در ایران، با تأسیس مدرسه عالی مددکاری اجتماعی - مقابل ساختمان‌های اسکان در میرداماد - در سال ۱۳۳۷، این رشته را پایه گذاشت و حتی شخصاً بر ساخت ساختمان آن نظارت کرد تا متناسب با این رشته ساخته شود.

او کوشید تا این رشته نسبت به گروه‌هایی که شرایط مناسبی ندارند نقش مداخله‌گرایانه و یاورانه داشته باشد. در قبال گروه‌هایی که در معرض آسیب‌های اجتماعی بودند، عمل‌گرا بود و شرایط حرفه‌ای را رعایت می‌کرد. نگاه انسان‌گرایانه داشت و تلاش می‌کرد شرایط بیماران روانی یا کودکانی را که در مراکز شبانه‌روزی نگهداری می‌شدند، بهبود ببخشد؛ برایش بهبود شرایط انسان‌ها مهم بود. در مناطقی چون دوراهی قپون، سه‌راه آذری و شهرنو مراکز رفاه خانواده برای مردم محلی و مهاجر تأسیس کرد تا مثلاً برای زنان اشتغالزایی و حرفه‌آموزی فراهم شود. اتاقی به‌عنوان مهدکودک ایجاد شد و بعدازظهرها برای نوجوانان کلاس‌های رفع اشکال و تقویتی دروس مدرسه به همراه کوهنوردی و شهرگردی برگزار می‌شد. کار ارزنده دیگر او در حوزه آموزش، افزون بر تأسیس این رشته، تلاش برای جذب دختران و پسران جوانی بود که پس از برگزاری آزمون علمی، با چند مصاحبه تخصصی و حرفه‌ای به ارزیابی آنان می‌پرداخت و بعد برگزیدگان را جذب می‌کرد. به تنظیم خانواده توجه ویژه داشت و تصویب «لایحه ملی تنظیم خانواده» با تلاش او ممکن شد و در این میان، مثلاً افزایش فاصله سنی مادر و فرزند و افزایش فاصله سنی فرزندان برایش اهمیت داشت.

من در دهه ۱۳۵۰ در مدرسه عالی مددکاری اجتماعی شاگرد او بودم و از شریف‌ترین و سالم‌ترین انسان‌هایی است که در زندگی‌ام دیده‌ام. با دانشجویان به کوه می‌آمد و به روابط سالم میان ما و پسران توجه داشت. میان دانشجویان و استادان رابطه صمیمانه و محترمانه‌ای برقرار بود. البته استادانی هم از دانشگاه‌های امریکا داشتیم که سعی می‌شد مطالب روز علمی با وجود آنها بیان شود و تجربیات‌شان ارائه شود. این در کنار هم بودن‌ها، تعلق و عشق ایجاد می‌کرد. چون همین توانایی برقراری ارتباط یک هنر است. او حتی در سال‌هایی که در ایران نبود هم نسبت به آنچه در این رشته در ایران می‌گذشت حساس بود و مسائل آن را تعقیب می‌کرد تا نشان دهد رشته مددکاری اجتماعی چقدر می‌تواند فعال باشد و روی پای خود بایستد و تأثیرگذار باشد.

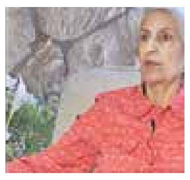

نوا

حضور یک خواننده نابینا در بازار موسیقی

مهرشاد وفایی با انتشار قطعه «اسب بالدار» پا به بازار رسمی موسیقی گذاشت. وفایی قصد دارد زمستان امسال به همت مؤسسه فرهنگی «نغمه حصار» آلبوم اولش با نام «از کویر لوت تا آریزونا» را منتشر کند. این آلبوم ۱۰ قطعه دارد و در سبک کانتری تنظیم شده است. آهنگسازی قطعات برعهده وفایی بوده و همچنین نوازنده گیتار آکوستیک و الکتریک آلبوم است. تنظیم قطعه اسب بالدار و تمام قطعات آلبوم برعهده «جِروم ولز» موزیسین امریکایی تبار است. زمانی که جزمنِ صاحبنام و برنده گرمی یعنی «باب بلدن» در سال ۹۳ برای اجرا در جشنواره موسیقی فجر به ایران می‌آید مهرشاد وفایی با اعضای گروهش (جروم در گروه او گیتار باس می‌نواخت) ارتباط برقرار می‌کند و سرآغاز این همکاری می‌شود. تنها قسمت‌هایی از آهنگ که مربوط به مهرشاد است در استودیو «دیوان» ضبط شده و مابقی توسط نوازندگان خارجی در کشور سوئد ضبط شده است. همچنین برای اسب بالدار که محبوب‌ترین قطعه آلبوم است موزیک ویدیوئی به شکل انیمیشن ساخته شده است که همزمان با این قطعه منتشر می‌شود. این ویدئو کاری از استودیو مداد آبی به کارگردانی «آرش افشاریان» است.

چهارشنبه بازار فرهنگ

■ **تجلیل از «سیدعبدالله انوار»**

آیین نکوداشت استاد «سیدعبدالله انوار»، امروز ساعت ۱۷:۳۰ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی واقع در خیابان ولیعصر(عج)، پل امیر بهادر، خیابان سرلشکر علی‌اکبر بشیری، شماره ۷۱ برگزار می‌شود.

■ **نمایشگاه عکس آثار «علیقلی ضیایی»**

نمایشگاه عکس نوروزانه از آثار زنده‌یاد علیقلی ضیایی و سیمون آیوازیان، امروز ساعت ۱۷ تا ۲۰ در تالار گفتمان شهر و معماری (خانه وارطان) واقع در میدان فلسطین، طالقانی غربی، جنب صندوق امید، شماره ۵۱۴ گشایش می‌یابد که تا یک هفته ادامه خواهد داشت.

■ **جشن روز جهانی موزه در خانه هنرمندان ایران**

مراسم روز جهانی موزه با سخنرانی سیدمحمد بهشتی، علیرضا قلی‌نژاد، نادر داوودی، سید احمد محیط طباطبایی و احمد مسجد جامعی، امروز ساعت ۱۷ در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

■ **رونمایی یادنامه غلامرضا رشید یاسمی در کرمانشاه**

آیین رونمایی از «سرو رشید» یادنامه غلامرضا رشید یاسمی به همراه نشست تخصصی ابعاد شخصیتی و علمی او، با حضور میرجلال الدین کزازی، ابراهیم رحیمی زنگنه، روح‌الله بهرامی و سهیل یاری، امروز ساعت ۱۴ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه برگزار می‌شود.

■ **نقد و بررسی مثنوی «همای و همایون»**

پانزدهمین و شانزدهمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره خواجوی‌کرمانی امروز و چهارشنبه آینده (۱۰ خرداد) ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی مثنوی «همای و همایون» اختصاص دارد که با سخنرانی ایرج شهبازی، در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

■ **نشست «نقد نظریه جامعه کوتاه مدت»**

نشست «نقد نظریه جامعه کوتاه مدت (کلنگی) محمدعلی همایون کاتوزیان با تأکید بر جامعه روستایی و کشاورزی ایران»، با سخنرانی علی‌اکبر محرابی، امروز ساعت ۱۵ در انجمن جامعه‌شناسی ایران واقع در بزرگراه جلال آل احمد، زیر پل گیشا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

■ **هم اندیشی «نسخه‌های خطی و تصحیح متون»**

بیست‌ونهمین جلسه از سلسله هم‌اندیشی‌های ویرایش با عنوان «نسخه‌های خطی و تصحیح متون» با سخنرانی علی بهرامیان و هومن عباسپور، امروز ساعت ۱۶:۳۰ در انتشارات فنی ایران واقع در خیابان میرعماد برگزار می‌شود. همچنین قرار است از زنده‌یاد احمد منزوی، فهرست‌نگار نسخ خطی یاد شود.

■ **روندهای همگرایی و واگرایی در آسیای مرکزی و قفقاز**

نشست «ژئوپلیتیک بحران؛ روندهای همگرایی و واگرایی در آسیای مرکزی و قفقاز» امروز ساعت ۱۴ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه واقع درخیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی برگزار می‌شود.

■ **کارگاه آموزش و اجرای «رسمی بندی»**

کارگاه آموزش رسمی‌بندی با حضور استادکاران سنتی؛ حسین یزبری و محمد یزبری، امروز ساعت ۹ صبح در قزوین، دولتخانه صفوی، حیاط ساربان‌ها برگزار می‌شود.

■ **مراسم «شب شعر و خاطره ایثار»**

خانه فرهنگ ایثار و مقاومت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت سوم خرداد، امروز ساعت ۱۷:۳۰ مراسمی تحت عنوان «شب، شعر و خاطره ایثار» در میدان بهارستان، خیابان کمال‌الملک، روبه روی در اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای فرهنگ عمومی کشور، سالن اجتماعات برگزار می‌کند.

نگاره

یحیی‌تدین

خیلی چیزها با پول به دست می آید اما خیلی چیزها نه

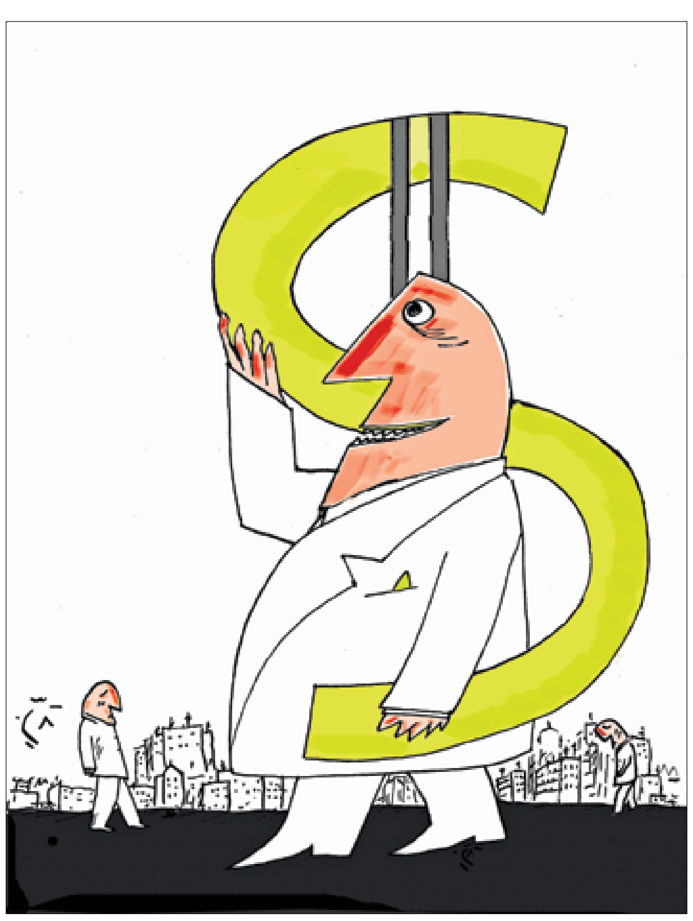

عدد

۲ کتاب تازه درباره «شاهنامه» فردوسی

دو کتاب تازه با موضوع «شاهنامه» فردوسی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شد. «تاریخ و فرهنگ باستانی ایرانیان و شاهنامه فردوسی» نوشته آصف خُلدانی در ۴۷۲ صفحه به قیمت ۴۲هزار تومان راهی بازار شده است.انگیزه برای پرداختن به «تاریخ و فرهنگ ملی» روشن ساختن ویژگی‌های ما مردم بس فرازو نشیب دیده و آشکار کردن هویت ملی‌مان بوده است؛ هویتی که در پاسداری از این آب و خاک همواره بُرنده ترین ابزار و خار چشم ستیزه گران با این ملت شناخته شده است.همچنین «حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی» از دیک دیویس با ترجمه سهراب طاووسی در ۲۵۶ صفحه به قیمت ۱۵هزار تومان عرضه شده است. «حماسه و نافرمانی» کتابی است در نقد متن و فرا متن شاهنامه فردوسی و پاسخی است به کسانی مانند ادوارد براون، وان گرونبام و احمد شاملوی خودمان که شاهنامه را صرفاً نظم می‌دانند.

۱ هفته تا افتتاح یک تماشاخانه جدید

«هملت، تهران۲۰۱۷» نمایش تازه کیومرث مرادی با رفع مشکلات از ۱۰ خرداد در تماشاخانه تازه تأسیس شهرزاد روی صحنه می‌رود. این تماشاخانه تازه تأسیس دارای سه سالن بلک باکس با ظرفیت بالا است و درخیابان نوفل‌لوشاتو، تقاطع خیابان رازی واقع شده است. نمایش «هملت، تهران ۲۰۱۷» که قرار بود از ۲۱ اردیبهشت به روی صحنه رود و پیش فروش آن نیز آغاز شده بود به دلیل پاره‌ای از مشکلات متوقف شد؛ با حل شدن این مشکلات پیش فروش این نمایش از امروز (چهارشنبه ۳ خرداد) مجدداً آغاز خواهد شد.همچنین با توافق‌های صورت گرفته، نمایش از ۱۰ خرداد در تماشاخانه شهرزاد روی صحنه خواهد رفت.

گزارش خبری

مهسا رمضانی

ارج نامه عزت‌الله فولادوند رونمایی شد

متفکرِ خدمتگزار

رونمایی کتاب «در جست و جوی خرد و آزادی، ارجنامه استاد عزت‌الله فولادوند» دیروز، بهانه‌ای شد برای پاسداشت علمی این استاد و گردهم آمدن اهالی فکر در خانه اندیشمندان علوم انسانی.

این نشست، به همت انتشارات مینوی خرد و انجمن علوم سیاسی ایران در حالی برگزار شد که میزبان استادانی همچون رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم ایران، موسی غنی‌نژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعت نفت، داوود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، مصطفی محقق‌داماد، عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران، حمیرا مشیرزاده، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، حسین معصومی‌همدانی، عضو هیأت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و سایر اهالی فلسفه و علوم اجتماعی بود.

کتاب «درجست‌وجوی خرد و آزادی»، ارج‌نامه‌ای برای دکتر عزت‌الله فولادوند است که اخیراً از سوی انتشارات مینوی خرد روانه بازار شده است. این اثر، مقدمه‌ای مختصر در شناخت فولادوند است. در این ارج نامه مطالبی از دکتر همایون کاتوزیان، سیدجواد طباطبایی، سیدمصطفی محقق داماد، رضا داوری اردکانی، موسی غنی‌نژاد، حسین معصومی همدانی، مصطفی ملکیان، محمدعلی موحد، حمیدرضا جلایی‌پور، هادی عالم‌زاده، عبدالله کوثری، مرتضی مردیها، علی میرزایی، پرویز ضیاء شهابی، نجفقلی حبیبی، غلامرضا اعوانی و برخی دیگر از مؤلفان و مترجمان دیده می‌شود.

دکتر داوری اردکانی کوشید تا در بحث خود به تاریخ ترجمه فلسفه اشاره کند و آغاز ترجمه آثار فلسفی را دوران ناصرالدین شاه دانست.

به زعم او، در ابتدا غیر فلسفه دان‌ها به ترجمه آثار فلسفی می‌پرداختند اما بتدریج از سال‌های ۱۳۳۴ به بعد فلسفه دانانی همچون دکتر کاویانی و دکتر لطفی به این کار همت گماشتند.

وی در این میان، سهم بسزایی را برای دکتر فولادوند قائل شد و معتقد است که فولادوند با فلسفه دانی و زبان دانی در پنجاه سال اخیر توانسته به ترجمه آثار فلسفی جامه عمل بپوشاند.

همچنین او، مهم‌ترین ترجمه فولادوند را(اکنون زیر چاپ است) کتاب عقل عملی کانت دانست.

دکتر مصطفی محقق داماد نیز به عنوان دیگر سخنران این مراسم، نخست به حاکمیت دیدگاه‌های چپ گرایانه در جوانیِ خود اشاره کرد و تأکید داشت در آن دوران(حدوداً پنجاه سال پیش) مراکز دینی و حوزه‌های علمیه کوشیدند تا به مقابله با مارکسیسم و چپ‌گرایی بپردازند اما با این حال، در تقابل با چپ گرایی، چندان مؤثر واقع نشدند.

محقق داماد با بیان این مقدمه کوشید تا بر اهمیت نقش فولادوند تأکید کند.

به زعم او، متفکر خدمتگزار، متفکری است که نیاز جامعه را تشخیص دهد و بداند جامعه به چه چیزی نیاز دارد.

از این رو، به کتاب «جامعه باز» پوپر ترجمه فولادوند اشاره کرد و معتقد است که این ترجمه یکی از اثرگذارترین مقابله‌ها با مارکسیسیم و چپ‌گرایی در ایران به شمار می‌آید که فولادوند بدرستی ضرورت ترجمه آن را در آن دوران احساس کرد.

مشروح این نشست را به زودی در صفحه اندیشه «ایران» خواهید خواند.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

برج خلعت پوشان تبریز؛ منشوری ۱۶ضلعی یادگار صفویان

برج آجری خلعت پوشان در روستای کرگج در ۱۰ کیلومتری شرق تبریز واقع شده است. این ساختمان صفوی به‌دلیل آنکه در دوره قاجار محل پوشیدن خلعت اعطایی پادشاهان ایران توسط فرمانداران آذربایجان بوده، بدین نام معروف شده است. این برج آجری منشوری شکل باقاعده کثیرالاضلاع ۱۶ ضلعی با قطر ۹/۵ متر دارای دو طبقه است. سقف طبقه اول گنبدی است اما سقف قدیمی طبقه دوم ریخته و بعدها با تیرآهن پوشیده شده است. طاق نماهای جهات اصلی این برج به شکل جناغی هستند اما جوانب دوازده گانه دیگر دارای طاق نما و تزئیناتی از آجر و کاشی به رنگ‌های سیاه و آبی است. راه پله طبقه همکف به طبقه اول و پشت بام در گوشه شمال شرقی بنا قرار گرفته است. براساس متون و سفرنامه‌های دوره قاجاریه برج در داخل استخری قرار داشت که با گذشتن از روی پلی ورود به ساختمان میسر می‌شده است اما اکنون کانال اطراف برج پر و به صورت پیاده رو فرش شده است. محوطه این برج در حال حاضر در اختیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است.